

همراه با خاطرات علی اصغر عباسی که از بدو تولد در محله احمدآباد سکونت دارد

اقوام، در همسایگی هم



ایستگاه اول



صفائی خانواده اش اهل کاشان هستند و از سال ۱۳۱۴ که به مشهد آمده اند، در کنار دیگر همسایگان در خیابان عارف ۷ ساکن شده اند. در گذشته، بیشتر همسایه ها اقوامشان بودند. همسایگی با فامیل بهترین فرصت برای شیطنت بچه ها بود. علی اصغر عباسی که بزرگ شده احمدآباد است، خاطرات بسیاری از کوچه پس کوچه های این محله دارد.

روزگاری اینجا خانه پدری ام بود که با بچه ها در کوچه و خیابان بازی می کردیم. هر وقت شیطنتی می کردیم برای فرار از دست پدرم که متوجه نشود از روی دیوار به خانه عمه ام می رفتیم.

ایستگاه دوم

باغ وحش کوهسنگی یکی از مکان های تفریحی بود که هر هفته با بچه ها به آنجا می رفتیم. یک بار برادر کوچک ترم حواسش نبود و دستش را روی فنس میمون ها گذاشت. در یک لحظه، میمونی دستش را گاز گرفت و صدای برادرم درآمد. بالاخره با فریاد بلند نگهبان باغ وحش، میمون، دست برادرم را رها کرد. از آن به بعد کمتر به باغ وحش می رفتیم. در حال حاضر در این مکان مجتمع مهر احداث شده است.

ایستگاه چهارم



ایستگاه پنجم

اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ هنوز این محله آب لوله کشی نداشت. چند شیر تلمبه ای برای استفاده از آب شرب در محله درست کرده بودند. هر وقت مادرانمان برای برداشتن آب می رفتند، ما هم برای بازی، همراهی شان می کردیم.

ایستگاه ششم



در فصل توت تکانی، مادر بزرگم مرا بالای درخت می فرستاد تا توت بتکانم. بقیه بچه ها هم پای درخت، چند طرف چادر بزرگی را می گرفتند. توت ها را که جمع می کردیم، مادر بزرگ درون چندین سینی می ریخت و به همسایه ها می داد.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، سالن ورزشی ۲۲ بهمن در انتهای عارف ۱۰ قبرستان کوچکی بود که پاتوق بازی بچه های محله شده بود. هم جواری قبرستان با مدرسه مابترین راه فرارمان از کلاس درس و شیطنت های کودکانه بود.

